



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

**پیشروی‌های انصارالله در جبهه داخلی؛**

**دستاوردهای**

**اقتصادی، سیاسی و نظامی**



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

**پژوهشگر: مرجان شریف زاده**

## فهرست مطالب

عنوان

صفحه

- ۲ .....  نکات برجسته
- ۳ .....  مقدمه
- ۷ .....  سخن آخر
- ۸ .....  یمن: مناطق تحت کنترل و درگیری



- ✓ انصارالله یمن چندی است علیه متجاوزان خارجی و مزدوران داخلی آنها رویکرد تهاجمی در پیش گرفته و از فاز «پدافندی» به «آفندی» تغییر تاکتیک داده است. دستاوردهای گسترده سیاسی و نظامی انصارالله در عملیات‌های آفندی یک سال اخیر، آشکارا موازنه جنگ را به نفع مقاومت یمن تغییر داده است.
  - ✓ پیروزی‌های افتخارآمیز انصارالله در عملیات‌های نظامی ماه‌های اخیر و جهش خیره‌کننده در ساخت سلاح‌های جوّی پیشرفته با برند بومی از دستاوردهای چشمگیر انصارالله است.
  - ✓ عمده‌ترین مزیت‌های اقتصادی مأرب که می‌تواند روند تحولات را به سود انصارالله تغییر دهد عبارتند از: وجود منابع نفت، گاز و برق؛ وجود سد مأرب و شبکه آبیاری آن که این استان را به قطب اقتصادی شمال یمن تبدیل کرده؛ موقعیت گذرگاهی مأرب در مسیر تجارت زمینی با مرکز و شمال شبه جزیره؛ گستردگی فعالیت‌های اقتصادی در مأرب به واسطه افزایش چشمگیر جمعیت در این استان و سرانجام امکان بهره‌برداری مشارکتی انصارالله از درآمدهای مأرب
  - ✓ برجسته‌ترین مزایای سیاسی و امنیتی تفوق انصارالله بر مأرب عبارتند از: اضمحلال کانون فرماندهی نیروهای ائتلاف عربی در شمال یمن؛ فروپاشی پایتخت حزب «الاصلاح» به‌عنوان جناح حامی «منصورهادی»؛ مسلط شدن انصارالله بر بیش از ۹۰ درصد اراضی و جمعیت در سرزمین‌های شمال یمن؛ تحکیم روابط انصارالله با سران طوایف مأرب، ایجاد ائتلاف با آنها و کاهش خطر شورش قبایل؛ تسهیل پیشروی انصارالله در استان‌های جنوبی؛ تضمین صددرصدی امنیت «صنعا» به جهت وابستگی امنیت ضلع شرقی آن به مأرب؛ ممانعت از برقراری مجدد ائتلاف بین نیروهای
- ضد مقاومت

بیش از ۶۳ ماه از آغاز تهاجم نظامی ائتلاف سعودی به یمن می‌گذرد؛<sup>۱</sup> جنگ نابرابری که قرار بود حداکثر تا دو هفته همه اهداف سیاسی و نظامی متجاوزان را محقق کند، جز خسارات سنگین نظامی و حیثیتی، ارمغانی برای طرف متجاوز نداشته است. اما جبهه مقابل یعنی ارتش، نیروهای مردمی و بالآخر انصارالله یمن که از ابتدای جنگ به لحاظ عده و عده قابل قیاس با طرف مهاجم نبودند، امروز از پنج سال مقاومت جانانه، دستاوردهای پرافتخاری دارند که اتفاقاً کم شمار هم نیستند؛ دستاوردهایی که در سطوح مختلف نظامی، سیاسی و دیپلماتیک، اساساً تفسیر جدیدی به موقعیت بازیگران دو سوی جبهه بخشیده و مهم‌تر از آن، معادلات منطقه‌ای را دچار تحول کرده‌اند. صرف نظر از عملیات‌های اخیر یگان‌های پهبادی و موشکی انصارالله در عمق خاک عربستان که مراکز حساسی همچون وزارت دفاع، مرکز اداره اطلاعات و استخبارات سعودی، پایگاه هوایی «سلمان» و چند پایگاه نظامی در «ریاض»، «نجران» و «جیزان» را در هم کوبیدند، جبهه‌های داخلی نیز شاهد پیشروی‌های پیاپی انصارالله و تصرف نقاط راهبردی متعددی بوده‌اند. این پیشروی‌ها در ماه‌های اخیر به خصوص در استان «مأرب» چشمگیرتر بوده و به نظر می‌رسد انصارالله تا آزادسازی نهایی مأرب فاصله چندانی نداشته باشد. به منظور ارزیابی شرایط کلی حاکم بر میدان جنگ یمن و یافتن پاسخ برای سؤالاتی پیرامون ابعاد و نتایج موفقیت‌های اخیر انصارالله در مأرب و دیگر جبهه‌ها، با آقای دکتر «احد نوری اصل» کارشناس مسائل منطقه مصاحبه پژوهشی انجام شده که از نظر می‌گذرد:

### ۱- ارزیابی شما از وضعیت امروز موازنه قدرت در عرصه میدانی جنگ یمن چیست و موقعیت کلی انصارالله در این عرصه چگونه است؟

برجسته‌ترین تحولی که چندی است بر کلیت نبرد یمن حاکم شده، اتخاذ رویکرد تهاجمی انصارالله علیه متجاوزان خارجی و مزدوران داخلی آنها و تغییر تاکتیک از فاز پدافندی به آفندی است. نقطه عطف عملیات‌های غافلگیرانه و ضربات موشکی- پهبادی انصارالله به تأسیسات حیاتی عربستان را می‌توان حملات پهبادی سنگین به تأسیسات نفتی و پالایشگاهی آرامکو در شهریور سال ۱۳۹۸ ذکر کرد. دستاوردهای گسترده سیاسی و نظامی انصارالله در عملیات‌های آفندی یک سال اخیر، آشکارا موازنه جنگ را به نفع انصارالله تغییر داده است؛ عملیات‌های «موازنه بازدارندگی یک» که در آن ده فروند پهباد به طور هم‌زمان، میدان نفتی و پالایشگاه «الشیبه» وابسته به شرکت آرامکو را در شرق عربستان هدف قرار دادند؛<sup>۲</sup> عملیات ۱۲ روزه زمینی موسوم به «نصر من الله» در مناطق مرزی عربستان و یمن<sup>۳</sup> که علاوه بر آزادسازی صدها کیلومتر مربع از مناطق تحت اشغال، منجر به سقوط سه تیپ نظامی و همه تجهیزات آنها، به اسارت درآمدن شمار زیادی فرمانده، افسر، سرباز و بر جای ماندن صدها کشته و زخمی از ارتش سعودی شد؛ حملات پهبادی شهریورماه سال گذشته به دو پالایشگاه شرکت آرامکو در استان «بقیق» و «هجره خریص» یا همان «موازنه بازدارندگی دوم»<sup>۴</sup>؛ عملیات «موازنه بازدارندگی سوم»<sup>۵</sup> که در آن انصارالله با ۱۲ پهباد و سه فروند موشک، تأسیسات شرکت آرامکو در شهر ساحلی «ینبع» را هدف قرار داد و سرانجام عملیات «موازنه بازدارندگی چهارم»<sup>۶</sup> که طی آن چند موضع استراتژیک را در قلب عربستان، که ده‌ها فرمانده و کارشناس نظامی در آنها حضور داشتند، مورد حمله قرار دادند، مجموعاً معادلات میدانی و سیاسی را به سود نیروهای یمنی دستخوش تغییرات جدی خواهند کرد. عملیات‌های توازن بازدارندگی یک تا سه، عمدتاً بر اهداف نفتی متمرکز بودند و اقتصاد

۱. تهاجم نظامی به یمن از سوی ائتلاف به رهبری عربستان سعودی، ششم فروردین ۱۳۹۴ آغاز شد.

۲. ۱۷ آگوست سال ۲۰۱۹ (۱۶ مرداد ۱۳۹۸)

۳. ۲۶ آگوست سال ۲۰۱۹ (چهارم شهریور ۱۳۹۸)

۴. ۱۴ سپتامبر سال ۲۰۱۹ (۲۳ شهریور ۱۳۹۸)

۵. ۲۱ فوریه سال ۲۰۲۰ (دوم اسفند ۱۳۹۸)

۶. ۲۳ ژوئن سال ۲۰۲۰ (سحرگاه سه شنبه سوم تیر ۱۳۹۹)

عربستان را هدف قرار دادند اما بعد از عملیات بازدارندگی چهار، مقامات سعودی به خوبی فهمیدند که با تغییر موازنه قدرت، فرماندهان نظامی ارشد آنها بیش از پیش در تیررس مقاومت یمن قرار گرفته‌اند.

یکی دیگر از پیروزی‌های مثال‌زدنی انصارالله، آزادسازی کامل استان «الجوف» طی عملیات «فامکن منهم» بود<sup>۱</sup> که این پیام مهم را در بر داشت که سرنوشت خاص سعودی‌ها بدون استثنا، در انتظار تمامی وابستگان سعودی در سرزمین‌های یمنی است. عملیات‌های دیگری همچون «بنیان مرصوص»، استقرار سامانه ضد هوایی بومی در یمن، پرده‌برداری از سلاح‌های جوی پیشرفته با برند بومی و عملیات‌های در حال اجرا در مأرب، جملگی بر این واقعیت تأکید دارند که گزاره قدیمی "بحران یمن راه حل نظامی ندارد"، کم‌کم به این گزینه تبدیل می‌شود که "بحران یمن تنها یک راه حل دارد و آن هم راه حل مقاومت است"؛ چراکه هم اکنون ارتش و کمیته‌های مردمی یمن از سه جهت، شهر «مأرب» - پایتخت اقتصادی یمن و مرکز فرماندهی نیروهای ائتلاف عربی - را در محاصره خود دارند و مأرب نیز به زودی همانند «تهام» و «جوف»، به کنترل نیروهای ارتش و انصارالله یمن در خواهد آمد. مفهوم این گزاره جدید آن است که نهایتاً «بن سلمان» فرصت زیادی برای گریز از سرنوشت تسلیم توأم با تحقیر در میدان جنگ یمن ندارد و انصارالله که نسبت به متجاوزان خارجی و مزدوران داخلی آنها رویکرد تهاجمی اتخاذ کرده، در صدد است تا شرایط سیاسی و امنیتی را بهبود بخشد و ضمن شکستن محاصره اقتصادی، منابع جدیدی برای برقرار نمودن رفاه نسبی در یمن به دست آورد.

## ۲- انصارالله چه برنامه‌هایی برای بهبود وضعیت معیشتی مردم دارد؟ پیروزی‌های میدانی اخیر به‌ویژه در مأرب چه دستاوردهای اقتصادی برای مردم یمن خواهد داشت؟

در طول پنج سال گذشته و با وجود محاصره زمینی، هوایی و دریایی و تحریم‌های شدید اقتصادی، انصارالله توانسته بر بسیاری از مشکلات داخلی در حوزه اقتصادی و معیشتی غلبه کند و در این راستا اقدامات زیادی انجام داده است. برای مثال، دولت «صنعا» با ممنوع اعلام کردن استفاده از اسکناس‌های جدید که از سوی دولت مستعفی مستقر در عدن چاپ شده، گامی در جهت مقابله با تورم برداشته و از افزایش قیمت ارز و مواد غذایی در مناطق تحت کنترل خود جلوگیری کرده است. با وجود فشار سنگین اقتصادی، دولت صنعا توانسته با به‌کارگیری صحیح ابزارهای دفاعی و دیپلماتیک، جریان ورود کالا، مواد غذایی و سوخت به مناطق تحت تفوق خود را باز نگه دارد. دولت صنعا همچنین برنامه‌های جامعی برای کمک به فقرا دارد و ضمن نظارت بر سیستم توزیع کمک‌های بشردوستانه بین‌المللی، با جمع‌آوری زکات و پخش آن بین نیازمندان سعی کرده از فشار اقتصادی بر مردم یمن کم کند. در کنار تمام این موارد، انصارالله به منظور افزایش تولید محصولات غذایی و ایجاد درآمد برای مردم، تلاش‌های ویژه‌ای نیز در پیش گرفته و با راه‌اندازی کمپین (ناکل مما نزرع- چیزی را می‌خوریم که خودمان کاشته باشیم) سعی در تقویت بنیه اقتصادی مردم داشته است.

اما باید خاطر نشان کرد که به‌رغم تلاش‌های زیادی که ذکر شد، بخش بزرگی از مردم یمن با مشکلات عدیده معیشتی مواجه هستند که کمبود منابع حیاتی مانند نفت و گاز از مهم‌ترین آنهاست؛ بر همین اساس وجود منابع نفت و گاز و برق در مأرب به انصارالله انگیزه می‌دهد تا محاصره تحمیل شده علیه مأرب را به‌طور کامل و یا جزئی در هم بشکند. بی‌تردید آزادسازی کامل مأرب و تسلط بر این منطقه استراتژیک از جهات بسیاری روند تحولات نظامی و سیاسی حاکم بر یمن را کاملاً تغییر خواهد داد. برای مثال اولاً به دلیل وجود سد مأرب و شبکه آبیاری آن، مأرب به قطب اقتصادی شمال یمن تبدیل شده است. ثانیاً در سال‌های جنگ مأرب به‌عنوان مرکز نیروهای ائتلاف عربی در شمال یمن شناخته می‌شود. این شهر در عمل محل تجمع اصلی پناهندگان جنگ در شمال یمن است که همین موضوع منجر به افزایش ساکنان این استان به حدود سه میلیون نفر شده و همچنین افزایش فعالیت‌های اقتصادی در مأرب را در پی داشته است. ثالثاً موقعیت جغرافیایی مأرب، این شهر را به شاهراه تردد کالا و افراد از یمن به عربستان و به سمت

۱. ۱۸ مارس سال ۲۰۲۰ (۲۸ اسفند ۱۳۹۸)

کشورهای حاشیه خلیج فارس تبدیل کرده و عملاً مأرب نخستین مرکز بزرگ تجاری و انسانی در مسیر تجارت زمینی یمن با مرکز و شمال شبه جزیره عربستان است؛ مزیتی که گفته می‌شود ماهیانه تا ۱۷ میلیارد ریال یمنی درآمد دارد. بنابراین، انصارالله با تسلط بر مأرب، قادر خواهد بود سهم خود را از درآمدهای این استان (مأرب) بگیرد. با وجود چنین مزایای مهم اقتصادی برای گروه‌های مقاومت در یمن، بی‌شک تسلط کامل بر دو استان جوف و مأرب، پیامدهای مثبت اقتصادی برای انصارالله و شکست سنگین برای گروه‌های وابسته به عربستان مثل اصلاح، القاعده و داعش به همراه خواهد داشت.

### ۳- آیا پیشروی در «مأرب» و «جوف»، در حوزه‌های سیاسی، نظامی و امنیتی هم دستاوردی برای انصارالله و نیروهای مردمی یمن خواهد داشت؟

جوف و مأرب که میدان عملیات «بنیان مرصوص» بودند، در کنار مزیت‌های مهم اقتصادی، از حیث سیاسی و نظامی نیز اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند. فتح استان‌های مذکور می‌تواند برای انصارالله از جهات امنیتی و سیاسی پیامدهای مثبت بسیاری به همراه داشته باشد. با توجه به ساختارهای نظامی، سیاسی و اجتماعی جبهه شرقی یمن، این حوزه دارای ارزش‌های نظامی و سیاسی است.



**الف - بُعد سیاسی:** در مرحله اول استان مأرب از سال ۲۰۱۵ به این سو، خاستگاه و پایتخت سیاسی حزب «اصلاح» متعلق به جماعت اخوان المسلمین یمن بوده و آزادسازی مأرب، به معنای حذف کامل حزب مزبور است؛ در نتیجه آن جناح قدرتمندی که به اصطلاح به «عبدربه منصور هادی» مشروعیت می‌بخشید، از بین خواهد رفت. دوم اینکه فتح مأرب در عمل موجب خواهد شد که انصارالله بر بیش از ۹۰ درصد از سرزمین و جمعیت در شمال یمن (مناطق) که تا پیش از سال ۱۹۹۰ به‌عنوان یمن شمالی شناخته می‌شد) سیطره پیدا کند و لاجرم قواعد اصلی سیاسی و میدانی در یمن دستخوش تغییرات جدی خواهد شد. سوم انصارالله با تسلط بر ارتفاعات اطراف مأرب خواهد توانست روابط خود را با مقامات و قبایل مأرب مستحکم کند و چنانچه اداره امور این شهر را به مقامات محلی آن واگذار کند، وزن سیاسی انصارالله در یمن برای دوران پس از جنگ افزایش خواهد یافت و هم اینکه با ایجاد زمینه تشکیل ائتلاف با دیگر گروه‌های سیاسی اجتماعی یمنی، تلاش‌های عربستان برای حذف انصارالله از فضای سیاسی بعد از جنگ در یمن را به شکست خواهد کشاند. همراه کردن قبایل جوف و مأرب و جلب رضایت آن‌ها با واگذاری اداره این مناطق به ساکنان بومی و بهره‌برداری مشارکتی از درآمدهای اقتصادی، ضمن کاستن از خطر شورش و مواجهه، تداوم پیشروی انصارالله در استان‌های جنوبی را نیز تسهیل خواهد کرد.

**ب - بُعد امنیتی:** به غیر از آنکه مأرب پایتخت اقتصادی یمن و مرکز فرماندهی نیروهای ائتلاف عربی است، امنیت ضلع شرقی پایتخت انصارالله نیز وابسته به آن است که همین، از مزیت‌های امنیتی مهم مأرب است. دوم از این زاویه که مأرب نقطه مرکزی حضور نیروهای وابسته به منصور هادی رئیس‌جمهور مستعفی یمن است، اهمیت امنیتی بالایی دارد. مضافاً آنکه انصارالله با اشراف بر مأرب می‌تواند هم‌زمان بدون اینکه در کوچه‌پس‌کوچه‌های این شهر درگیر یک نبرد فرسایشی و بلندمدت شود، از ایجاد مجدد ائتلاف بین دیگر نیروهای میدانی یمن بر ضد خود جلوگیری کند.

استان جوف نیز از یک سو مهم ترین نقطه اتصال عربستان به مناطق شمالی یمن است و از سوی دیگر به لحاظ اشراف به پایتخت، دارای موقعیت راهبردی است. مزیت مهم جوف به لحاظ امنیتی این است که حوثی‌ها می‌توانند از مرزهای طولانی استان جوف با عربستان استفاده کنند و به تأسیسات حیاتی عربستان و امارات در حوزه‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی دسترسی راحت‌تری داشته باشند.

در یک کلام تسلط انصارالله بر مثلث «صنعا»، «مأرب» و «جوف» می‌تواند از حیث نظامی و سیاسی دشمن را در شرایط سختی قرار دهد. این مثلث استراتژیک هرچند به سختی به دست آمده، اما در ادامه مسیر پیامدهای مهمی برای مقاومت به همراه خواهد داشت؛ موفقیت‌هایی که می‌تواند امید به پیروزی حتمی در یمن را زنده نگه دارد.

#### ۴- تصمیم انصارالله در قبال طرح اخیر «مارتین گریفیتس» برای توقف عملیات آزادسازی نهایی «مأرب»، چه خواهد بود؟ مسیر فراروی انصارالله چیست؟

شکی نیست که امروز استان مأرب در آستانه آزادی کامل قرار دارد. بی‌تردید تداوم پیشروی‌های انصارالله، نه تنها فرصت بازیابی، تقویت روحیه و ترمیم سازمان رزم را از دشمن سلب خواهد کرد، بلکه برنامه‌ریزی‌ها برای عملیات بازپس‌گیری مناطق فتح شده را هم مختل خواهد نمود؛ مضافاً اینکه از تعدد جبهه‌ها نیز خواهد کاست. نقطه آغازین طرح گریفیتس «آتش بس» است و اجرای بندهای بعدی طرح نیز منوط به پذیرش آتش بس از سوی نیروهای یمنی است؛ یعنی یمنی‌ها را متعهد می‌سازد عملیات آزادسازی مأرب را رها کنند. در حالی که تجارب گذشته بارها نشان داده علی‌رغم اینکه انصارالله در میدان جنگ دست برتر را داشته ولی با پذیرش آتش بس پیشروی‌ها را متوقف کرده، اما طرف سعودی و اماراتی نه تنها حملات هوایی را متوقف نکرده‌اند، بلکه بر شدت بمباران‌ها افزوده‌اند.

اگرچه برخی کارشناسان بر این باورند که بهتر است انصارالله پس از تثبیت تفوق خود بر دو استان مهم و تأثیرگذار جوف و مأرب، مجدداً به تاکتیک حفظ وضع موجود برگردد، جبهه داخلی را به رکود بکشاند و از مواهب اقتصادی، سیاسی و امنیتی-نظامی دستاوردهای اخیر خود بهره‌برداری کند؛ و استدلال می‌کنند که اولاً تداوم پیشروی به پراکندگی بیشتر نیروهای مقاومت منجر خواهد شد و آسیب‌پذیری و فرسایش آنها را در دشت‌ها و مناطق غیرکوهستانی افزایش خواهد داد، ثانیاً ممکن است تضادها و حساسیت‌های شمالی-جنوبی، مسیر پیشروی‌های کنونی انصارالله را سد کند و حتی دستاوردهای فعلی را نیز به مخاطره اندازد؛ اما واقعیت این است که نتایج مهم اقتصادی و نظامی که پیش‌بینی می‌شود به سرعت خود را بر مردم یمن نمایان سازد، مانع از این می‌شود تا جریان مقاومت تصمیم به کوچک‌ترین توقفی نماید. اکنون در شرایط فعلی و در صورت تداوم تفوق انصارالله بر مأرب و جوف، به نظر می‌رسد نیروهای مقاومت گلوگاه‌های مهم اقتصادی، نظامی و سیاسی را در اختیار خواهند گرفت و گروه‌های وابسته به عربستان می‌توانند تنها به استانی مثل «حضرالموت» یا بیابان‌های شرقی تکیه نمایند؛ تکیه‌گاهی که در صورت تداوم مسیر فعلی می‌توان سرنوشتی همچون مأرب و جوف برای آن متصور بود. ناگفته نماند غیبت انصارالله در پایگاه‌های مشخص نظامی، آسیب‌پذیری آنها در برابر حملات هوایی را کم خواهد کرد. یک نکته مهم دیگر که نباید نادیده گرفته شود آن است که ساکنان استان‌های جنوبی یمن، سابقه شهرنشینی و مدنیت طولانی دارند اما به واسطه سال‌ها شرایط سخت جنگ و محاصره شدید، مناطق جنوبی یمن در مقایسه با مناطق تحت کنترل انصارالله، وضعیت اقتصادی، امنیتی و مدیریتی نامطلوبی دارد؛ همین موضوع جنوبی‌ها را به چشم‌پوشی از حساسیت‌ها و تضادهای شمالی-جنوبی و همکاری با انصارالله سوق خواهد داد. به عبارت دیگر می‌توان با قاطعیت، جایگاه کنونی انصارالله را "تثبیت اقتدار داخلی و منطقه‌ای" قلمداد کرد.

## ۵- نکته پایانی و جمع‌بندی شما از موضوع چیست؟

با توجه به شرایط مطرح شده و پیامدهای حاصل از پیشروی‌های نظامی مقاومت در یمن، باور بنده این است که انصارالله تصمیم استراتژیک و مهمی گرفته و راهی جز پیشروی در این مسیر ندارد. در واقع با وجود سختی‌های راه انتخاب شده، پیشروی‌های نظامی بهتر از استراتژی قبلی است که رویکرد تدافعی داشته و باعث گستاخی بیشتر دشمنان و محدودیت‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی برای انصارالله شده بود. انتخاب گزینه پیشروی نظامی از سوی دولت قانونی یمن، نشان‌دهنده عزم جدی آنها برای غلبه بر دشمنان خارجی و مزدوران داخلی است. شرایط کنونی در یمن با پنج سال گذشته و ماه‌ها و سال‌های ابتدایی جنگ، زمین تا آسمان متفاوت است. آن‌چه که امروز در صحنه میدانی و سیاسی بحران یمن مشاهده می‌شود، تغییر راهبردی به نفع انصارالله و به زیان سعودی‌هاست. توازن قدرت در عرصه میدانی یمن دچار چنان تغییر اساسی شده که وضعیت جدید می‌تواند سبب شود ورود جنگ به سال ششم با خسارت‌های احتمالی بیشتر به عربستان سعودی همراه باشد.

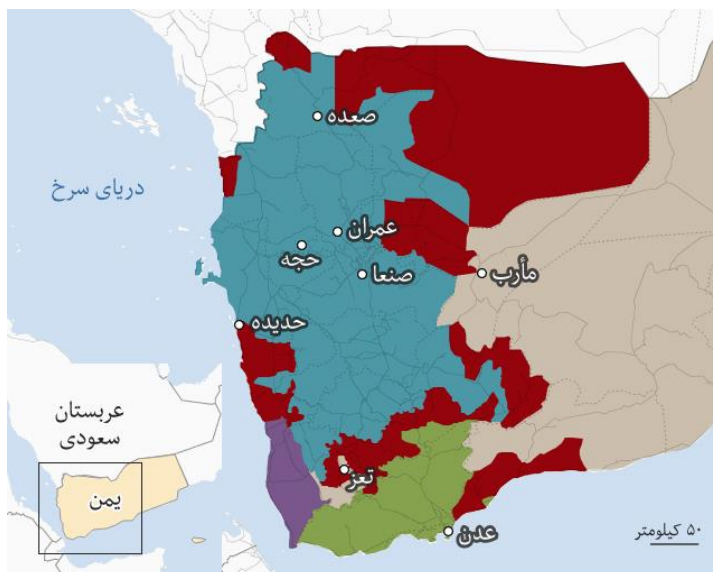
### □ سخن آخر

در سال ۲۰۱۵ که تجاوز نظامی به یمن صورت گرفت، ۱۲ کشور تحت عنوان ائتلاف سعودی برای نابود کردن انصارالله هم قسم شدند؛ اما امروز نه تنها از آن ائتلاف دیگر اسمی هم باقی نمانده، بلکه شکاف‌های فعال و نیمه فعال میان عربستان و امارات، تأثیرات خود را به روشنی در صحنه کلی نبرد به جای گذاشته و هرگونه احتمال دستیابی به پیروزی یا کسب برتری در برابر اراده ملت یمن را برای آنان غیر ممکن نموده است.

در مقابل متجاوزانی که در سال‌های نه چندان دور یکه‌تاز میدان در یمن بودند، امروز انصارالله به بازیگری مؤثر نه فقط در جغرافیای کشور خود، بلکه در مجموعه امنیتی غرب آسیا بدل شده که معادلات سیاسی و امنیتی منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به‌عنوان یک دولت و ملت در مصاف با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مداخله‌جو مطرح است. قوت توانمندی‌های استراتژیک، تجربه بالای مبارزاتی و انگیزه کافی انصارالله برای ایستادگی و استکبارستیزی، در سخنان «عبدالملک الحوثی» تجلی می‌یابد؛ آنجا که راهبرد انصارالله را اعلام و صراحتاً می‌گوید: "انصارالله در کنار سوریه، حزب‌الله لبنان و جمهوری اسلامی ایران می‌تواند ضلع چهارم مقاومت باشد."



## □ یمن: مناطق تحت کنترل و درگیری



منبع: مرکز مطالعات استراتژیک صنعا - مه ۲۰۲۰

نیروهای انصارالله

نیروهای ضد مقاومت و مخالف دولت مستعفی؛ تحت حمایت امارات متحده عربی

نیروهای شورای انتقالی جنوب؛ تحت حمایت امارات متحده عربی

نیروهای دولت مستعفی؛ تحت حمایت عربستان

مناطق درگیری